

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سحر صامت

۰۴ نومبر ۲۰۱۸



سحر صامت

فصلی جدید از مبارزات دختران آگاه

فیسبوک یکی از محبوب ترین شبکه های اجتماعی در میان مردم افغانستان در سرتاسر جهان است از جایی که مردم بیشتر از سر زدن به منابع خبری برای دریافت اطلاعات تازه از رویدادهای جدید به شبکه اجتماعی فیسبوک سر می زنند و اطلاعات خود را بیشتر از آن طریق به روز می کنند. هر کاربری طبق سلیقه، علم و منطق خود دنبال مطالب و اطلاعات یا ویدیوهای دلخواه خود می رود. از این رو نیز از سیاستمداران افغانستان گرفته تا فعالان جامعه مدنی و غیره بیشترین فعالیت های خود را از طریق همین منبع پیش می برند.

در میان آنها دختر جوانی با نشر ویدیوهای خود که آمیخته از طنز و انتقاد از زن ستیزیست، طرفداران خاص خود را در مدت بسیار کوتاهی پیدا کرد. ناهید احسانی دختری نوجوان اهل غرب افغانستان هرات شهری باستانی با فرهنگی غنی که زنانی آگاه و مبارز داشت اما پس از سالها جنگ، ویروس زن ستیزی در آن منطقه شیوع و جان تعدادی را گرفت. امروزه در این شهر تعداد زیادی از زنان دست به خودسوزی می زنند یا تعدادی از آنها توسط مردان جان های خود را از دست می دهند. اکنون حوزه غرب افغانستان به خصوص هرات منطقه ناامنی برای زنان است و هر ساله به گونه چشمگیری خشونت علیه زنان رو به افزایش است. ناهید خود را اینگونه معرفی می کند: نامم ناهید احسانی زرگزاده است متولد شهر هرات، شهری زیبا با آثار باستانی چشمگیر اما از سوی دیگر با چهره زنان سوخته چرا که بیشترین آمار خودکشی و خودسوزی زنان را در افغانستان دارد.

دوره ابتدای مکتب را زیر خیمه ها در هوای گرم ۳۰ درجه هرات و روز های مکتب را با شنیدن داستان های زندگی زنان افغان از زبان هم صنفیان خودم می گذراندم و با تمام وجود اندوهگین شده و به این که چگونه می شود زنان یک جامعه را آگاه کرد فکر می کردم. از دیدگاه من تحصیل یکی از راههای بسیار مناسبی برای رشد زنان در جامعه بود

اما به علت جنگ همیشه با کمبود معلم روبه رو بودیم روزها و سالهای درسی پشت سر هم سپری می شد اما نه معلمان برنامه مشخص برای تدریس داشتند، نه شاگردان به علت مسایل امنیتی می توانستند منظم در کلاس ها حضور داشته باشند و نه کتاب های درسی ما در آخر سال به پایان می رسید. همینگونه سالها را سپری می کردیم و به کلاس های درسی بالاتری راه می یافتیم. وی می گوید: من خواندن، نوشتن و ریاضی ابتدائی را از اعضای فامیل بیشتر آموختم.

از یک خانواده کم جمعیت هستم و تنها دختر و یک برادر کوچک تر از خودم هم دارم.

پایان سال ۲۰۱۲ بود که از بد روزگار به علت جنگ و ناامنی همراه با خانواده به المان مهاجرت کردیم البته بیشتر اعضای فامیل ما از بیست سال پیش به اروپا و کانادا مهاجرت کرده بودند و ما بازماندگان بودیم و دلیل این که در اواخر به اروپا مهاجرت کردیم امید مان به بهتر شدن افغانستان و کتاب مکتبی که شاید روزی تدریس های جدی و پلان های درسی بهتری روی دست گرفته شود و بتوانم مصدر خدمت برای مردم شوم، اما تاکنون هیچ تغییری در نظام درسی افغانستان دیده نمی شود گاهی که با دوستانم در افغانستان چت می کنم برای من تعریف می کنند که هنوز هم لای کتاب مکتب باز نمی شود و مدرک لیسانس خرید و فروش می شود خلاصه با مرور زمان افغانستان روزبه روز در انواع فساد به خصوص فساد اداری غرق تر می شود.

از او در مورد درس و تحصیل پرسیدم: مکتب را تقریباً از دوره ابتدائی در المان شروع کردم چون که می دانستم سطح درسی در افغانستان ضعیف است و پایه من هم بسیار ضعیف برای همین تقریباً از نقطه صفر همه چیز را شروع کردم دوباره به آموختن.

سؤال بعدی را اینگونه پرسیدم قسمی که خودت در اول صحبت اشاره کردی هدفت کمک به انسان هاست در آینده چه برنامه ای برای کمک به انسان ها داری؟ ناهید اگر همینگونه با پشتکار در مورد تحصیل پیش برود در آینده نزدیک با مدرک لیسانس در رشته زنان و زایمان فارغ تحصیل می شود و ناهید می خواهد بیشتر به خودش زحمت بدهد و در آینده دور با اراده محکم و پشت کار قوی تا مقطع دکترا این رشته را پیش ببرد زیرا یکی از مشکلات زنان به خصوص در افغانستان کمبود متخصص در رابطه با زنان و زایمان یا بیماری های مربوط به زنان که امروزه جان هزاران زن را در آن سرزمین می گیرد.

از او پرسیدم آیا تاکنون فکر کردی وارد دنیای سیاست شوی؟ او به سؤالم اینگونه پاسخ داد: بله در اوایل وقتی وارد کشور المان شدیم به این که باید وارد دنیای سیاست شوم فکر کرده بودم و از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۱۷ عضو حزب CDU بودم اما وقتی فهمیدم از طریق سیاست کاری کرده نمی توانم از دنیای سیاست خداحافظی کردم چون همزمان به تحصیل در زمینه زنان و زایمان و بیماری های مربوط به رحم فکر کرده بودم. امروزه تعداد زیادی از زنان در افغانستان به علت ابتلاء به عفونت رحم و یا مبتلا شدن به سرطان دهانه رحم جان خود را از دست می دهند دلیلش کمبود متخصص زنان که خودش نیز زن باشد است زیرا آن منطقه چنان در جهل و نادانی فرو رفته که به علت سنتی بودن و سیستم مردسالاری آن جامعه از یک سو اکثر خانواده ها به دختران مجال درس خواندن را نمی دهند و از سوی دیگر زمانی که زنان و یا دختران با مشکلات بیماری های مربوط به دستگاه تناسلی روبه رو می شوند اکثر آنها حق مراجعه به دکتر مرد را ندارند برای همین مسیرم را جهت کمک به زنان تغییر دادم. از ناهید پرسیدم چه شد که ویدیوهای را تهیه کردی و شخصیتی را انتخاب کردی که از آن طریق هم طرز فکر نادرست زنان را مورد نقد قرار دهی و هم جامعه مردسالاری و دولت غرق در فساد را؟



از کودکی به بازیگری علاقه شدیدی داشتم اما از جایی که فساد در تمام عرصه ها در افغانستان رخنه کرده دنیای سینما و تیاتر را هم دربر گرفته است.

وقتی هرات بودم بعضی از دوستان دوران مکتبم "مدرسه ام" مرا تشویق می کردند که در عرصه هنر بازیگری قدم بگذارم و من هم درخواست کردم که در رادیو تلویزیون هرات یا تیاتر نقش بازی کنم اما کسی جدی نگرفت و درخواستم بی پاسخ مان، بعد ها فهمیدم که در افغانستان اگر می خواهی توالی هم بروی باید واسطه داشته باشی وگرنه باید با درد کلیه دست و پنجه نرم کنی.

از وقتی که به المان آمدم به فکر این که می شود از طریق طنز افکار نادرست زنان

در مقابل خود و یک دیگر را نقد کرد اقدام اما به این که باید مطالب و دیالوگ های طنز های تصویری ام قوی و کارساز باشد. خیلی فکر کردم و حساسیت خاصی در مقابل کارهایم داشتم تصمیم داشتم تحت نظر یک فرد حرفه ئی باشم و کارهای خود را تهیه کنم در اوایل ویدیو های خود را برای چند تن از دوستانم می فرستادم چون فکر می کردم کارهایم خیلی حرفه ئی نیست غافل از این که دوستانم محتوای ویدیوها را پسندیده و پای این تصاویر بدون اجازه خودم به دنیای مجازی باز شد. سخت ناراحت شدم چون از نظر خودم پلان هایم خراب شد و از سوی دیگر به این موضوع از بعد افکار سنتی جامعه "می توانیم ویدیو هایش را نشر کنیم چون دختر است به عنوان جنس ضعیفه هیچ کاری از دستش ساخته نیست" نگاه کردم با پولیس المان تماس گرفتم چون کارهایم بدون رضایتم نشر شده بود. زمانی که پولیس المان از این موضوع مطلع شد جریان را پیگیری کرد اما نتوانست دقیقاً شخصی را که برای اولین بار ویدیوی من را به دیگران ارسال کرده و یا در صفحات اجتماعی نشر کرده پیدا کند اما از این که دختری از یک جامعه سنتی توانسته به خود جرأت بدهد و چنین کارهایی را ثبت کند ابراز خرسندی کرد.

اکثر کسانی که ویدیو را دیده بودند شروع به جست و جوی من در شبکه اجتماعی فیسبوک کردند تعدادی راضی و اما تعدادی سخت عصبانی و ناراحت. روز به روز به تعداد درخواست دوستی در شبکه های اجتماعی ام بیشتر شد و ناهید به مادر سکینه معروف شد. از ناهید پرسیدم شخصیت مادر سکینه در طنز هایت چگونه است؟ شخصیتی که من در بعضی از طنز هایم از آن استفاده می کنم زنیست بسیار سنتی با افکاری عقب مانده که در جامعه مدرن غربی زندگی می کند و با رقابت های ناسالم با دیگر زنان، دختر خود را که همان سکینه باشد تشویق به پیروی از این سنت ها و رقابت های بیجا در این سوی آنها می کند. ناهید می گوید تعداد درخواست نشر ویدیوها ها از سوی مخاطبان روز به روز افزایش می یابد و جوانانی که از سنت های بیجا به تنگ آمده اند می گویند این ویدیو ها برای فهماندن اشتباهات نسل قبل کمک بسیار بزرگی برایشان است.

او افزود در کنار این کارکنتر کارهای دیگری را نیز ارائه می کنم که سیاستمداران افغانستان را مستقیماً زیر سؤال می برم به طور مثال در چند روز گذشته انتخابات پارلمانی را پشت سر گذراندم که تعداد کاندیدای زن چشمگیر بود اما دو موضوع در این میان مطرح بود یک مردانی که از حضور زنان در مبارزات انتخاباتی شاکی بودند و شعارهایی را نشر می کردند که گویا زنان به زور آرایش و زیبایی همچنان با کمک تکنولوژی فوتوشاپ برای جمع آوری آراء اقدام کردند و موضوع دوم آکادمی بودن کاندیدای زن برای پارلمان است که هر دو این موضوع را در یک ویدیو به نقد کشاندم و همچنان به مهم ترین مسأله در افغانستان که فساد است و موجب می شود که شایسته سالاران به حاشیه رانده شوند.

از ناهید پرسیدم در خانواده ات طنز هایت را چگونه ارزیابی می کنند؟

پدرم مشوق و طرفدار سر سخت کلیپ های مادر سکینه است او تأکید دارد "که من باید به خود باورمند باشم و مسیری را که انتخاب کرده ام بپیمایم چرا که در هر صورت مردم پشت سرت حرف می زنند پس بهتر است تو کاری را که دوست داری و هدفی را که به آن فکر کرده ای، پیش ببری.

شخصیت من طوری است که زیاد به گپ بیهوده دیگران اهمیت نمیدهم، برای همین کوشش می کنم تا اول با زبان خوش آنها را بفهمانم اما اگر در دنیای فکری سیاه طالبان غرق هستند دیگر گناه خودشان است. اما هرگز هم از یک زن فقط به خاطر زن بودنش حمایت نمی کنم چون که با این کار عیب کار و یا طرز فکر تعدادی از زنان پوشیده می شود به نظر من زنی که غیر انسانی فکر می کند و حقوق دیگر انسان ها را نقض می کند قابل نقد شدن است. به همین منوال تعدادی از زنان در صدد تخریب من در شبکه های اجتماعی هستند.

پیام من بیشتر برای زنان است که برایشان واضح و روشن بیان کنم که زندگی را که اکثر ما زنان در افغانستان تجربه می کنیم خوشبختی نیست بلکه بردگی داوطلبانه است. به طور مثال گذاشتن عکس های خودم در شبکه های اجتماعی نه نشان روشن فکری است نه نشان کهنه فکری از دیدگاه من هر کسی باید خودش حق انتخاب داشته باشد نه این که چیزی به او تحمیل گردد که متأسفانه اکثر زنان افغانستان حق انتخاب برای معرفی خود و یا هویتشان را ندارند. من به عنوان یک دختر از نسل جوان هر روز مسایل اجتماعی را بررسی و نقد می کنم و به نظر من این کار در قدم اول برای رشد منطق خود مفید است. اگر شما در ذهن آرزوی داشتن آزادی را دارید برای به دست آوردن آن باید سخت مبارزه کنید نه تنها کتاب زنان مبارز دنیا را بخوانید.

فرق نمی کند میدان مبارزه کجا باشد حتی اگر از همان آشپزخانهتان هم که شروع کنید خودش یک شروع هدف مند است.

برای مبارزه لازم نیست به مکان خاصی بروی و یا لباس خاصی بپوشی در محیط سنتی مانند افغانستان حتی اگر زیر چادری هم می شود مبارزه کرد پس از تلاش برای آزادی دست نکش .

پدیده حسادت زن به هم جنس خودش یک قدم به سوی تباهی به سوی خودش و آزادی هایش است.

رهائی زن شماره ۶۷